



# چیزی بگو!

سکوت محمدجواد ظریف درباره ماجرای اعترافش در کمیسیون امنیت ملی خلاف امنیت ملی است

صفحه ۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

استاندار تهران:

## بعید می دانم در تهران بی خانمان داشته باشیم

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2063 ■ Sun.Jan.01, 2017 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۸ سال و ۲۴ روز گذشت

یکشنبه ۱۲ دی ۱۳۹۵ ■ ۲ ربيع الثانی ۱۴۳۸ ■ اول ژانویه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۶۳ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

### تیتراهای امروز

افزایش آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا

## پایتخت در اضطراب

مدارس تهران امروز هم تعطیل نشد!



صفحه ۴

با تزریق ارز از سوی بانک مرکزی صورت گرفت

## عقب نشینی دلار

روز گذشته هیجان بازار ارز خوابید و هر دلار آمریکا از ۳۹۷۷ تا ۴۰۱۰ تومان فروخته شد

صفحه ۳

در نامه دانشجویان دانشگاه شریف مطرح شد

## دعوت از اصغر فرهادی برای شرکت در اردوی جهادی

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از چشم‌انداز جهان ۲۰۱۷

## ترومپت اختتامیه غرب

صفحه ۱۵

بگومگوی علنی اعضای کابینه به وزرای نفت و صنعت رسید

# دعوا نکنید!

زنگنه در مجلس:

من مسؤول پتروشیمی هستم نه نعمت زاده

صفحه ۲



عکس: مهدی عطشانی/ژاد اسپکتور



# طرح مهر ماندگار

مشتریان گرامی:

با تسویه یا به روزرسانی بدهی اقساط معوق خود

تا پایان سال جاری می‌توانید از مزایای

بخشش وجه التزام، امهال و استمهال

این طرح بهره‌مند شوید.

www.mebank.ir (۰۲۱)۸۹۸۹۲

### انقلاب در «انتظار»

حسین قدیانی

#### دادداشت امروز

خدا بخواهد بنا دارم نوشته‌های صاحب‌الزمانی



خود را کتاب کنم. مشخصاً آن دست از نوشته‌ها که از صدر تا ذیل، نجوا بوده با امام عصر. در بخت خوش ما، همین بس که همچو امامی داریم و در حال بد ما همین بس که دست‌مان از دامان همچو امامی کوتاه است! بالاتر از این پریشان حالی هم آیا منصور هست که امام داشته باشیم و معصوم داشته باشیم و فریادرس داشته باشیم لیکن هیچ ندانیم کجاست؟! و هیچ نینیمش و نشناسیمش؟! خوش به حال مردم بالانشین! خوش به حال قاضی بزرگ! خوش به حال آن خیاط که تار و پود عشق می‌زد! خوش به حال مرحوم نخودکی! خوش به حال خوشوقت! خوش به حال بهجت‌العرفا! خوش به حال آن برابر بازار اصفهان که هیچ‌کس نمی‌دانست سر و سری دارد با حضرت بار! خوش به حال اهل کتمان! خوش به حال شهید کربلای ۵ که در «سهرای» «شهادت» آغوش امام خود را تجربه کرد! خوش به حال لب‌تشنگان شرق ابوالخصیبا! و شهدای گردان حبیب! خوش به حال امام‌زمانی‌ترین بچه‌های خمینی! خوش به حال شهید ابراهیم هادی! خوش به حال امام! و نماز شب‌هایش! و خوش به حال حضرت آقا و آخرین جملات خطبه‌های آدینه‌اش! یا از زوهای من گنگنکار، چه خاطراتی دارند مردان جبهه صاحب‌الزمان! آهای حضرت مداح! «به خوبا سرمی‌زنی، مگه بد دل ندان»، هر چند حرف دل بود اما دوره‌اش تمام شد!

تا الان گفتی، ما هم حال کردیم اما بر فرض که دل داشته باشیم؛ دل داشتن ما بدها، به چه کار حضرت می‌آید؟! بدی مثل من که برای خوب شدن، مساعی ندارد، دل داشته باشد یا نه، واقعا به چه کار حضرت می‌آید؟! «به خوبا سر می‌زنی...» این باید باشد ادامه‌اش: «حق ما بدها همین است!» آری! تاوان دل شست‌وشو نکرده امثال سرا دارد پس می‌دهد حضرت یار، که این همه عقب می‌افتد فریضه ظهور و امر موعود! جز این است؟! و جز این است که اگر ما بدها واقعا «دل» داشتیم، تا الان صاحب‌الزمان آمده بود! اساسا غیبت، حادث شده، ناظر بر دل نداشته ما، ما بدها و الا یک سوال: دل اینای آدم، همین من و تو، اگر حکایت دل آیت‌الله قاضی بود، یا اصلا امام، غیبت می‌کردند؟! گفت: «با من صنم! دل یک‌دله کن!» تجدیدنظر که نه، باید رسماً انقلاب کنیم علیه آنچه تا الان اسمش را گذاشته بودیم «دل» و گذاشته بودیم «انتظار»! خیال‌تان را راحت کنیم!

### روزنه

## جبهه سوریه جبهه خمینی (ده) است

احمدرضا بیضایی\*

هنوز مانده تا مرتبه شهادت شهدای جبهه مقاومت را برسیم. در زمانی که هنوز عده‌ای یقه امام (ره) و شهدا را زها نکرده‌اند که چرا بعد از فتح خرمشهر جنگیدید، چگونه امروز باید از جنگیدن در سوریه سخن گفت؟ چه کسی می‌داند هزار کیلومتر خارج از مرزهای جمهوری اسلامی، در گمنامی برای تحقق آرمان خمینی (ره) جنگیدن و در غربت به شهادت رسیدن یعنی چه؟ و بعد از آن چگونه باید مادر شهید را تسلا داد؟ چگونه باید دل پدر شهید را آرام کرد؟ فرزند شهید را که هنوز زبان نگرفته چگونه باید توجیه کرد؟ در برابر عظمت فداکاری همسر شهید چه باید گفت؟ چگونه باید هم‌رزم شهید را که میان تحمل درد فراق و تحمل درد جان‌مندن گرفت تسلا داد؟ وصیت شهید بیضایی برای حفظ خاکریز سوریه را در این فضای دیپلماتسی زده چگونه باید به گوش‌ها رساند؟ و چگونه باید برای خیل عظیم اهل عافیت که گاه دنیا دارند و گاه دینداران، و به قول سعید شهدای اهل قلم، از زندگی فقط همین یک جان را دارند که به آن مثل کنه به شکمبه گوسفند جسیب‌دهند، از شهدایی به نام شهدای جبهه سوریه سخن گفت؟ و چگونه باید برای آنها که حسین (ع) را فقط برای کربلا رفتن می‌خواهند و «لیک یا حسین» را در دستوی خانه می‌گویند، از عشاقی گفت که «لیک یا حسین» را در ریف دمشق و حلب گفتند و از شعار «کلنا فداک یا زینب» در برابر اسلام آمریکایی پرچم شرف برای شیعه ساختند؟ چگونه و چگونه باید برای آن ریش سفیدی که ریشش پای بساط امام حسین (ع) سفید شده و هنوز نمی‌داند چرا همه کره ارض کربلای ماست، علت حضورمان در نبردی در خارج از خاک خودمان را توضیح داد؟ برای همان‌ها که وقتی با دشمن در خاک خودمان هم جنگیدیم با پر خاشاک کنار آن گذشتند و خود و خانواده خود را از آتش حادثه دور نگه داشتند و به آن دیگری که می‌برد چربا به اسم دفاع از حرم، در «حلب» شهید می‌دیم چگونه باید توضیح داد که در سوریه و عراق که هیچ، هر جای دیگر این کره خاکی که پیکر صد پاره ما به نام حسین (ع) و عباس (ع) و زینب (س) به زمین بیفتد، آنجا کربلای ما و آن روز عاشورای ما است و آنجا «حرم» است برای ما؟

ادامه در صفحه ۵